



کتابهای ویژه‌ی آموزش پرورش

مربی امور تربیتی

(سبک زندگی؛ مشاوره و مشاور)

کتاب موفقیت در آزمون‌های آموزش پرورش



- شرح و خلاصه درس، معرفی نکات برتر، تحلیل منابع و آزمون‌ها
- سؤالات ادوار گذشته آزمون‌های استخدامی؛ پاسخ‌نامه تشریحی
- سؤالات تألیفی و شبیه‌سازی شده‌ی آزمون مربی امور تربیتی

دانش و مفاهیم تخصصی تربیتی؛ دانش
تربیت بدنی؛ دانش بهداشت و سلامت؛
نظریه‌های مشاوره؛ روان‌سنجی و
آزمون‌های روان‌شناختی؛ اصول و فنون
راهنمایی و مشاوره و روان‌درمانگری اسلامی



Here an easy way for teaching

مؤلف: پریسا صادقی

□ مباحث بخش اول: ۵

..... دانش و مفاهیم تخصصی تربیتی؛

..... اصول و فنون راهنمایی و مشاوره و روان درمانگری اسلامی

..... < (انسان کامل شهید مطهری؛ شیوه‌های دعوت به نماز محسن قرائتی؛ و...)

□ بخش سوالات تألیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی دبیر ۱۰۵

□ بخش پاسخ نامه کلیدی ۱۲۲

□ مباحث بخش دوم: ۱۲۳

..... دانش تربیت بدنی؛

..... دانش بهداشت و سلامت؛

□ بخش سوالات تألیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی دبیر ۲۶۵

□ مباحث بخش سوم: ۲۹۱

..... روان‌سنجی و آزمون‌های روان‌شناختی؛

..... نظریه‌های مشاوره؛

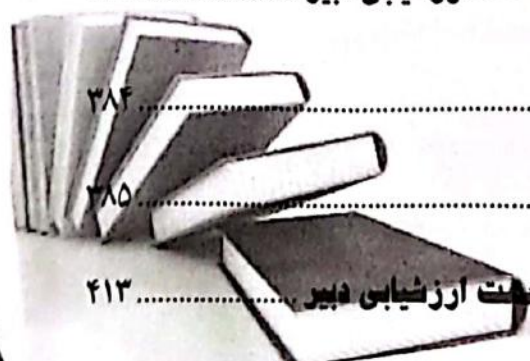
□ بخش سوالات تألیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی دبیر ۳۷۳

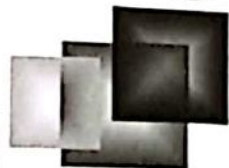
□ بخش پاسخ نامه کلیدی ۳۸۴

□ مباحث بخش روان‌شناسی رشد: ۳۸۵

□ بخش سوالات تألیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی دبیر ۴۱۳

□ مباحث تکمیلی بخش‌های انسان کامل و شیوه‌های دعوت به نماز ۴۱۷





انسان معیوب و انسان سالم

انسان کامل یعنی انسان نمونه، انسان اعلی یا انسان والا. انسان مانند بسیاری از چیزهای دیگر، کامل و غیر کامل دارد و بلکه معیوب و سالم دارد و انسان سالم هم دو قسم است: انسان سالم کامل و انسان سالم غیر کامل. شناختن انسان کامل یا انسان نمونه از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما مسلمین واجب است که حکم مدل و الگو و سرمشق را دارد؛ یعنی اگر بخواهیم یک مسلمان کامل باشیم چون اسلام می‌خواهد انسان کامل بسازد و تحت تربیت و تعلیم اسلامی به کمال انسانی خود برسیم، باید بدانیم که انسان کامل چگونه است، چهره روحی و معنوی انسان کامل چگونه چهره‌ای است، سیمای معنوی انسان کامل چگونه سیمایی است و مشخصات انسان کامل چگونه مشخصاتی است، تا بتوانیم خود و جامعه خود را آن گونه بسازیم.

راه‌های شناخت انسان کامل از نظر اسلام:

شناخت انسان کامل از نظر اسلام دو راه دارد: یک راه این است که ببینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم، انسان کامل را اگرچه در قرآن و سنت تعبیر «انسان کامل» نیست و تعبیر «مسلمان کامل» و «مؤمن کامل» است چگونه توصیف کرده‌اند. مسلمان کامل یعنی انسانی که در اسلام به کمال رسیده است، و مؤمن کامل یعنی انسانی که در پرتو ایمان به کمال رسیده است. باید ببینیم قرآن یا سنت، انسان کامل را با چه مشخصاتی بیان کرده‌اند و چه خطوطی برای سیمای انسان کامل کشیده‌اند. از قضا در این زمینه، چه در قرآن و چه در سنت بیانات زیادی آمده است. راه دوم شناخت انسان کامل، استفاده از بیان‌ها نیست که ببینیم در قرآن و سنت چه آمده است، بلکه این است که افرادی عینی را بشناسیم که مطمئن هستیم آنها آنچنانکه اسلام و قرآن می‌خواهد ساخته شده‌اند و وجود عینی انسان‌های کامل اسلامی هستند؛ چون انسان کامل اسلامی فقط یک انسان ایده‌آل و خیالی و ذهنی نیست که هیچ وقت در خارج وجود پیدا نکرده باشد؛ انسان کامل، هم در حد اعلی و هم در درجات پایین‌تر، در خارج وجود پیدا کرده است.

خود پیغمبر اکرم (ص) نمونه انسان کامل اسلام است. علی (ع) نمونه دیگری از انسان کامل اسلام است. شناخت علی یعنی شناخت شخصیت علی نه شخص علی. در هر حدی که شخصیت جامع علی (ع) را بشناسیم، انسان کامل اسلام را شناخته‌ایم و در هر حدی که انسان کامل را عملاً نه اسماً و لفظاً امام و پیشوای خود قرار دهیم. شهید [اول] در لمعه به مناسبتی این حرف را می‌گوید و دیگران هم این سخن را گفته‌اند: شیعه یعنی کسی که علی را مشایعت کند. یعنی انسان با «لفظ» شیعه نمی‌شود، با «حرف» شیعه نمی‌شود، با «حب و علاقه فقط» شیعه نمی‌شود؛ مشایعت یعنی همراهی. وقتی کسی می‌رود و شما پشت سر و همراه او می‌روید، این را «مشایعت» می‌گویند. شیعه علی یعنی مشایعت‌کننده عملی علی.

فرق «کمال» و «تمام»: گاهی در عربی «کامل» گفته می‌شود و گاهی «تام» و در مقابل هر دو، «ناقص» گفته می‌شود: این کامل است و آن ناقص؛ این تام است، تمام است و آن دیگری ناقص.

در یک آیه از قرآن هر دو کلمه آمده است: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي**؛ امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم. نفرمود: «**أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ دِينَكُمْ**» و همچنین نفرمود: «**أَكْمَلْتُ لَكُمْ نِعْمَتِي**». می‌گویند اگر چنین گفته بود، از نظر دستور زبان عربی درست نبود.

نکات برتر

«تمام» برای یک شیء در جایی گفته می‌شود که همه آنچه برای اصل وجود آن لازم است به وجود آمده باشد؛ یعنی اگر بعضی از آن چیزها به وجود نیامده باشد، این شیء در ماهیت خودش ناقص است و می‌توان گفت که وجودش کسر برمی‌دارد؛ نصفش موجود است، ثلثش موجود است، دو ثلثش موجود است و از این قبیل. کمال را در جهت عمودی بیان می‌کنند و تمام را در جهت افقی. وقتی شیء در جهت افقی به نهایت و حد آخر خود برسد، می‌گویند تمام شد و زمانی که شیء در جهت عمودی بالا رود می‌گویند کمال یافت.

تعبیر «انسان کامل»: اولین کسی که در مورد انسان تعبیر «انسان کامل» را مطرح کرد عارف معروف، محیی‌الدین عربی اندلسی طایی است. محیی‌الدین عربی پدر عرفان اسلامی است؛ یعنی تمام عرفایی که شما از قرن هفتم به بعد در میان تمام ملل اسلامی سراغ دارید و از جمله عرفای ایرانی فارسی‌زبان، از شاگردان مکتب محیی‌الدین هستند. مولوی یکی از شاگردان مکتب محیی‌الدین است. او با این همه عظمت، در مقابل محیی‌الدین از نظر عرفانی چیزی نیست. محیی‌الدین مرد عربی‌نژاد از اولاد حاتم طایی و اهل اندلس بود.

نکته برتر: قبر محیی‌الدین اندلسی شامی که به اعتبار مدفنش به او «شامی» می‌گویند در دمشق است. او شاگردی به نام صدرالدین قونوی دارد که بعد از محیی‌الدین، بزرگ‌ترین عارف شمرده می‌شود. اینکه عرفان اسلامی به صورت علمی، آن هم علم بسیار بسیار غامض درآمده است، محصول کار محیی‌الدین و شروح صدرالدین قونوی است. صدرالدین قونوی که اهل قونیه در ترکیه است، پسر زن محیی‌الدین بود؛ یعنی محیی‌الدین هم استادش بود و هم شوهر مادرش. یکی از مسائلی که این مرد طرح کرد مسئله «انسان کامل» بود، ولی البته او از دیدگاه عرفان آن را طرح کرده است. اولین کسی که با لفظ «انسان کامل» این مسئله را طرح کرد و با دید خاص عرفانی این مطلب را بیان کرد، محیی‌الدین عربی است.

آفات روح انسان: از نظر روانشناسی، محرومیت‌ها منشأ بیماری‌های روانی می‌شود؛ یعنی منشأ بسیاری از عقده‌های روانی و بیماری‌های روانی انسان، احساس مغبونیت‌ها و محرومیت‌هاست.

انسان مسخ‌شده: مسئله مسخ شدن خیلی مهم است. در میان امم سالفه مردمی بودند که در اثر اینکه مرتکب گناهان زیاد شدند، مورد نفرین پیغمبر زمان خود واقع و مسخ شدند؛ یعنی به یک حیوان تبدیل شدند، مثلاً به میمون، گرگ، خرس و یا حیوانات دیگر. این را «مسخ» می‌گویند. یک مطلب [مسلم است] و آن این است که انسان اگر فرضاً از نظر جسمی مسخ نشود (تبدیل به یک حیوان نشود) به طور یقین از نظر روحی و معنوی ممکن است مسخ شود، تبدیل به یک حیوان شود و بلکه تبدیل به نوعی حیوان شود که در عالم، حیوانی به آن بدی و کثافت وجود نداشته باشد. قرآن از بَلْ هُمْ أَضَلُّ سخن می‌گوید، یعنی از مردمی که از چهارپا هم پست‌تر هستند. شخصیت انسان به خصایص اخلاقی و روانی اوست. اگر خصایص اخلاقی و روانی یک انسان

خصایص و اخلاقی یک درنده بود، خصایص و اخلاقی یک بهیمه بود، او واقعاً مسخ شده است؛ یعنی روحش حقیقتاً مسخ و تبدیل به یک حیوان شده است. جسم خوک با روح او تناسب دارد، و انسان ممکن است تمام خصلت‌هایش خصلت‌های خوک باشد. اگر انسانی این‌گونه باشد، از انسانیت منسلخ شده و در معنی و باطن و از دید چشم حقیقت‌بین و در ملکوت واقعاً یک خوک است و غیر از این چیزی نیست. پس انسان معیوب گاهی به مرحله انسان مسخ‌شده می‌رسد. ما اینها را کمتر می‌شنویم و شاید بعضی خیال کنند اینها مجاز است و دیرتر باورشان بیاید، ولی حقیقت است. انسانی که مانند یک بهیمه و چهارپا جز خوردن و خوابیدن و جز عمل جنسی [فکر دیگری ندارد] و فقط در فکر این است که بخورد و بخوابد و لذت جنسی ببرد، اصلاً روحش یک چهارپاست و غیر از این چیزی نیست. واقعاً باطن و فطرت چنین انسانی مسخ شده است؛ یعنی خصلت‌های انسانی و انسانیت به کلی از او گرفته شده و به جای آنها خودش برای خودش خصلت‌های حیوانی و خصلت‌های بهیمه‌ای و درندگی کسب کرده است.

 در سوره مبارکه نبا می‌خوانیم:

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا. وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا. وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا. ﴿١٠٠﴾

در روز قیامت مردم گروه‌گروه مبعوث و محشور می‌شوند. مکرر در مکرر پیشوایان دین گفته‌اند که فقط یک گروه از مردم به صورت انسان محشور می‌شوند. «يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِبَاتِهِمْ» مردم در قیامت مطابق منویات و مقاصد و خواسته‌ها و مطابق خصلت‌ها و صفات واقعی‌شان محشور می‌شوند. هر چه که خواسته شما باشد، شما همان هستید و همان محشور می‌شوید به آنچه که هستید. این است که ما را از همه پرستش‌ها جز خداپرستی منع می‌کنند. هر چه را که ما بپرستیم همان چیز می‌شویم. اگر پول‌پرست شویم، پول جزء ماهیت ما و جزء وجود ما می‌شود. این پول در قیامت همان فلز گذاخته است.

 قرآن به این موجودهایی که در دنیا این فلز جزء وجودشان شده و غیر از پرستش این فلز کار دیگری نداشته‌اند، می‌گوید:

الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالنِّصْفَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فُتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ ﴿١٠١﴾

«همین پول‌ها را در آن دنیا داغ می‌کنند، آتش‌های جهنم او هستند.»

برنامه انسان‌سازی ماه مبارک رمضان:

 اساساً برنامه ماه مبارک رمضان برنامه انسان‌سازی است که انسان‌های معیوب در این ماه خود را تبدیل به انسان‌های سالم و انسان‌های سالم خود را تبدیل به انسان‌های کامل کنند. برنامه ماه مبارک رمضان برنامه تزکیه نفس است، برنامه اصلاح معایب و رفع نواقص است، برنامه تسلط عقل و ایمان و اراده بر شهوات نفسانی است، برنامه دعاست، برنامه پرستش حق است، برنامه پرواز به سوی خداست، برنامه ترقی دادن روح است، برنامه رقاء دادن روح است. بستن دهان از غذای حلال برای این است که انسان در آن سی روز تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام ببندد، غیبت نکند، دروغ نگوید، فحش ندهد.

 عفونت جهنم همین عفونت‌هایی است که ما خودمان در دنیا ایجاد کرده‌ایم. همین دروغ‌هایی است که خودمان می‌گوییم. دشنام دادن و همز و لمز کردن هم همین‌طور است. تهمت زدن سرور همه این‌هاست، چون تهمت زدن هم [ارذیلت] دروغ گفتن را دارد و هم [ارذیلت] غیبت کردن را. چون آدمی که غیبت می‌کند، راست می‌گوید و بدگویی می‌کند و آدمی که دروغ می‌گوید، دروغ می‌گوید ولی بدگویی کسی را نمی‌کند، یک دروغی می‌بافد و می‌گوید. اما آدمی که تهمت می‌زند، در آن واحد، هم دروغ می‌گوید و هم غیبت می‌کند؛ یعنی دو گناه کبیره را با یکدیگر انجام می‌دهد. ماه رمضان برای این است که مسلمین، بیشتر اجتماع کنند، عبادت‌های اجتماعی انجام دهند و در مساجد جمع شوند، نه اینکه ماه رمضان وسیله تفرقه قرار گیرد.

 **لزوم هماهنگی در رشد ارزش‌های انسانی:** «کامل» در هر موجودی با موجود دیگر متفاوت است، مثلاً انسان کامل غیر از فرشته کامل است. اگر فرشته‌ای در فرشته بودن خودش به حد اعی و به آخرین حد کمال ممکن برسد، غیر از این است که انسان در عالم انسان بودن خودش به حد اعلایی از کمال برسد. فرشتگان موجوداتی هستند که از عقل محض آفریده شده‌اند، از اندیشه و فکر محض آفریده شده‌اند؛ یعنی در آنها هیچ جنبه خاکی، مادی، شهوانی، غضبی و مانند اینها وجود ندارد؛ همچنان که حیوانات، صرفاً خاکی هستند و از آنچه قرآن آن را روح خدایی معرفی می‌کند بی‌بهره‌اند و این انسان است که موجودی است مرکب از آنچه در فرشتگان وجود دارد و آنچه در خاکیان موجود است؛ هم ملکوتی است و هم ملکی، هم علوی است و هم سفلی. این تعبیر در متن حدیثی است که در اصول کافی آمده است و اهل تسنن هم این حدیث را ظاهراً با عبارت نزدیک به آن نقل کرده‌اند. یک گروه از نور مطلق آفریده شده‌اند و یک گروه دیگر که مقصود حیوانات است از خشم و شهوت آفریده شده‌اند و خدا انسان را مرکب آفرید. پس انسان کامل همچنان که با یک حیوان کامل متفاوت است، با یک فرشته کامل نیز متفاوت است.

 **تفاوت انسان به دلیل همان ترکیب ذاتش است که در قرآن آمده است:** ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ﴾ ما انسان را از نطفه‌ای آفریدیم که در آن مخلوط‌های زیادی وجود دارد. مقصود این است که استعداد‌های زیادی به تعبیر امروز در ژن‌های او هست. [بعد می‌فرماید:] انسان به مرحله‌ای رسیده است که ما او را مورد آزمایش قرار می‌دهیم (این خیلی حرف است) یعنی به حدی از کمال رسیده که او را آزاد و مختار آفریدیم و لایق و شایسته تکلیف و آزمایش و امتحان و نمره دادن قرار دادیم.

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ انسان را از نطفه‌ای که مجموعه‌ای از مشج‌ها یعنی استعداد‌های گوناگون و ترکیبات گوناگون است، خلق کردیم و به همین دلیل او را در معرض امتحان و آزمایش و پاداش و کیفر و نمره دادن قرار دادیم. ولی موجودهای دیگر چنین شایستگی را ندارند.

﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ از این بهتر و زیباتر، آزادی و اختیار انسان و ریشه و مبنای آن را نمی‌شود بیان کرد: او را مورد آزمایش قرار دادیم، راه را به او نمایانندیم، آن وقت این خود اوست که باید راه خویشتن را انتخاب کند. بنابراین، از این بیان قرآن معلوم می‌شود که «کامل» انسان به دلیل همین امشاج بودن، با «کامل» فرشته فرق می‌کند.

لزوم هماهنگی در رشد ارزش‌ها: کمال انسان در تعادل و توازن اوست؛ یعنی انسان با داشتن این همه استعداد‌های گوناگون آن وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعداد‌های دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در یک وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد که علما می‌گویند اساساً حقیقت عدل به توازن و هماهنگی برمی‌گردد. مقصود از هماهنگی در اینجا این است که در عین اینکه همه استعداد‌های انسان رشد می‌کند، رشدش رشد هماهنگ باشد. انسان کامل آن انسانی است که همه ارزش‌های انسانی در او رشد کنند و هیچ‌کدام بی‌رشد نمانند و همه هماهنگ با یکدیگر رشد کنند و رشد هر کدام از این ارزش‌ها به حد اعلیٰ برسد.

این انسان می‌شود انسان کامل، انسانی که قرآن از او تعبیر به «امام» می‌کند:

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۚ﴾

بعد از آنکه ابراهیم از عهده همه امتحان‌ها، از به آتش افتادن تا فرزند را به قربانگاه بردن برمی‌آید و به تنهایی با یک قوم و یک ملت مبارزه می‌کند، آنگاه به او [خطاب می‌شود]: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۚ﴾ تو اکنون به حدی رسیده‌ای که می‌توانی الگو باشی، امام و پیشوا باشی، مدل دیگران باشی و به تعبیر دیگر تو انسان کاملی؛ انسان‌های دیگر برای کامل شدن باید خود را با تو تطبیق دهند. علی (ع) انسان کامل است، برای اینکه «همه ارزش‌های انسانی»، «در حد اعلیٰ» و به طور «هماهنگ» در او رشد کرده است؛ یعنی هر سه شرط را داراست.

نمونه‌های افراط در رشد یک ارزش خاص: ۱. عبادت: یکی از ارزش‌های انسانی که اسلام آن را صد درصد تأیید می‌کند، عبادت است. عبادت به همان معنی خاصش مورد نظر است؛ یعنی همان خلوت با خدا، نماز، دعا، مناجات، تهجد، نماز شب و مانند آن که جزء متون اسلام است و از اسلام حذف‌شدنی نیست. عبادت یک ارزش واقعی است ولی اگر مراقبت نشود، جامعه به حد افراط به سوی این ارزش کشیده می‌شود؛ یعنی اساساً اسلام فقط می‌شود عبادت کردن، فقط می‌شود مسجد رفتن، نماز مستحب خواندن، دعا خواندن، تعقیب خواندن، غسل‌های مستحب به جا آوردن، تلاوت قرآن.

نکات برتر

اگر جامعه در این مسیر به حد افراط برود، همه ارزش‌های دیگر آن محو می‌شود، چنان که می‌بینیم در تاریخ اسلام چنین مدّی در جامعه اسلامی پیدا شده و حتی در افراد چنین مدّی را می‌بینیم. افراد صد درصد بی‌غرض که هیچ نمی‌شود آنها را متهم کرد، به این وادی افتاده‌اند و وقتی به این جاده کشیده شدند دیگر نمی‌توانند تعادل را حفظ کنند. چنین شخصی نمی‌تواند [بفهمد] که خدا او را انسان آفریده و فرشته نیافریده است. اگر فرشته بود، از این راه می‌رفت. انسان باید ارزش‌های مختلف را به طور هماهنگ در خود رشد دهد. گاهی جامعه به سوی زهد کشیده می‌شود. زهد خودش حقیقتی است، قابل انکار نیست، یک ارزش است و دارای آثار و فواید. محال و ممتنع است که جامعه‌ای روی سعادت ببیند یا لااقل آن را بتوانیم جامعه اسلامی بشماریم درحالی که در آن جامعه این عنصر و این ارزش وجود نداشته باشد. اما می‌بینید گاهی همین ارزش، جامعه را به سوی خود می‌کشد؛ دیگر همه چیز می‌شود زهد، و غیر از زهد چیز دیگری نیست.

۲. خدمت به خلق: یکی از ارزش‌های قاطع و مسلم انسان که اسلام آن را صد درصد تأیید می‌کند و واقعاً ارزشی انسانی است، خدمتگزار خلق خدا بودن است. در این زمینه پیغمبر اکرم زیاد تأکید فرموده است.

قرآن کریم در زمینه تعاون و کمک دادن و خدمت کردن به یکدیگر می‌فرماید:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ ﴿۸۱﴾ «انسانیت» یعنی خدمت به خلق خدا. انسان‌گرایی یعنی خدمت کردن به خلق.

۳. آزادی: آزادی یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و به تعبیر دیگر جزء معنویات انسان است. آزادی برای انسان ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. انسان‌هایی که بویی از انسانیت برده‌اند، حاضرند با شکم گرسنه و تن برهنه و در سخت‌ترین شرایط زندگی کنند ولی در اسارت یک انسان دیگر نباشند، محکوم انسان دیگر نباشند، آزاد زندگی کنند.

لغات برتر

معنویات انسان یعنی چیزهایی که مافوق حد حیوانیت اوست. آزادی واقعاً یک ارزش بزرگ است. گاهی انسان می‌بیند در بعضی از جوامع، این ارزش به کلی فراموش شده است. بشریت و بشر یعنی آزادی، و غیر از آزادی ارزش دیگری وجود ندارد؛ یعنی می‌خواهند تمام ارزش‌ها را در این یک ارزش که نامش آزادی است محو کنند. ارزش دیگر عدالت است، ارزش دیگر حکمت است، ارزش دیگر عرفان است و چیزهای دیگر.

جامعیت نهج البلاغه: در نهج البلاغه عناصر گوناگون را می‌بینید. اگر خطبه‌های زهدی و موعظه‌ای نهج-البلاغه [مانند خطبه‌ای که این‌طور شروع می‌شود: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ**] جامعه به سوی یک سلسله ارزش‌ها گرایش پیدا کرده بود و همان قسمت نهج البلاغه که در جهت آن گرایش‌ها و ارزش‌ها بود، معمول بود. صد سال می‌گذشت و شاید یک نفر پیدا نمی‌شد که فرمان امیرالمؤمنین به مالک اشتر را که خزانه‌ای از دستورهای اجتماعی و سیاسی است بخواند، چون اصلاً روح جامعه این نشاط و این موج را نداشت. مثلاً آنجا که علی (ع) می‌گوید:

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعٍ. می‌فرماید از پیغمبر اکرم مکرر شنیدم که می‌فرمود: هیچ امتی به مقام قداست و طهارت و میرا و خالی بودن از عیب نمی‌رسد مگر اینکه قبلاً به این مرحله رسیده باشد که ضعیف در مقابل قوی بایستد و حق خود را مطالبه کند بدون اینکه لکنت زبان پیدا کند. جامعه پنجاه سال پیش نمی‌توانست ارزش این حرف را درک کند چون جامعه یک ارزشی بود، فقط به سوی یک ارزش یا دو ارزش گرایش پیدا کرده بود، ولی در کلام علی (ع) همه ارزش‌های انسانی هست و این ارزش‌ها در تاریخ زندگی و شخصیت او موجود است.

اوصاف علی (ع): تعبیر «جامع الاضداد بودن» که ما درباره انسان کامل می‌گوییم، صفتی است که از هزار سال پیش علی (ع) با آن شناخته شده است. حتی خود سید رضی در مقدمه نهج البلاغه می‌گوید: مطلبی که همیشه با دوستانم در میان می‌گذارم و اعجاب آنها را برمی‌انگیزم این موضوع است که جنبه‌های گوناگون

سؤالات تألیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی دبیر



TEST
0000

۱- انسان سالم چند قسم است؟

- (۲) انسان سالم کامل و انسان سالم غیر کامل
(۴) انسان سالم کامل و انسان سالم اعلی

(۱) انسان کامل و انسان نمونه

(۳) انسان سالم کامل و انسان سالم نمونه

TEST
0000

۲- مؤمن کامل چگونه انسانی است؟

- (۲) یعنی انسانی که در اسلام به معنویت برسد.
(۴) یعنی انسانی که در پرتو ایمان به معنویت برسد.

(۱) یعنی انسانی که در اسلام به کمال رسیده است.

(۳) یعنی انسانی که در پرتو ایمان به کمال رسیده است.

TEST
0000

۳- شیعه علی (ع) بودن، یعنی چه؟

- (۲) یعنی تلاش کردن برای عمل کردن بر طبق این الگوی نمونه
(۴) یعنی مشایعت‌کننده عملی علی (ع)

(۱) تابع و پیرو امام علی (ع) بودن

(۳) یعنی لفظاً و عملاً پیرو امام علی (ع) بودن

TEST
0000

۴- اولین کسی که در مورد انسان تعبیر «انسان کامل» را مطرح کرد، چه کسی بود؟

- (۲) صدرالدین قونوی
(۴) احمد بن عبدالله بن سلیمان

(۱) محی‌الدین عربی اندلسی طایی

(۳) شیخ محمود شبستری

TEST
0000

۵- یکی از برنامه‌های قرآن، است.

- (۲) ساختن انسان سالم است.
(۴) هدایت انسان‌ها در جهت کمال

(۱) ساختن انسان کامل است.

(۳) هدایت انسان‌ها

TEST
0000

۶- آیه «وَأَشَدُّ مِنْ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ» چه چیزی را از فقر بدتر معرفی می‌کند؟

- (۴) حرص و طمع
(۳) مریضی بدن

(۲) بخل

(۱) حسد

TEST
0000

۷- تعبیر «بَلْ لَّهُمْ أَضَلُّ» از قرآن کریم، مربوط به چه کسانی است؟

- (۲) مردمی که حرص و طمع دارند.
(۴) مردمی که از چهارپا هم پست‌تر هستند.

(۱) مردمی که حسد می‌ورزند.

(۳) مردمی که دورو و ریاکارند.

TEST
0000

۸- آیه «يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَابَتِهِمْ» مربوط به کدام یک از ضد معیارهای انسان کامل است؟

- (۴) حسد ورزیدن
(۳) عیب‌های جسمی و روانی

(۲) آفات روح انسان

(۱) انسان مسخ‌شده

TEST
0000

۹- اساساً برنامه انسان‌سازی ماه مبارک رمضان چیست؟

- (۴) تمام موارد صحیح است.

(۳) تسلط عقل و ایمان و اراده

(۲) تزکیه نفس

(۱) انسان‌سازی

TEST
0000

۱۰- معنی عبارت «همز و لمز کردن» یعنی چه؟

- (۲) بدگویی و عیب‌جویی کردن
(۴) دروغ گفتن و عیب‌جویی کردن

(۱) تهمت زدن و بدگویی کردن

(۳) دشنام دادن و تهمت زدن

TEST
0000

۱۱- تفاوت انسان با فرشتگان و حیوانات در چیست؟

- (۴) آفریده شدن از نور
(۳) ترکیب ذاتش

(۲) ناطق بودن

(۱) اشرف مخلوقات بودن

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی

سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
				۱۶۱	۱	۱۲۱	۱	۸۱	۱	۴۱	۲
				۱۶۲	۲	۱۲۲	۳	۸۲	۳	۴۲	۳
				۱۶۳	۲	۱۲۳	۲	۸۳	۱	۴۳	۴
				۱۶۴	۱	۱۲۴	۴	۸۴	۱	۴۴	۱
				۱۶۵	۲	۱۲۵	۲	۸۵	۱	۴۵	۲
				۱۶۶	۴	۱۲۶	۱	۸۶	۴	۴۶	۳
				۱۶۷	۱	۱۲۷	۴	۸۷	۴	۴۷	۴
				۱۶۸	۲	۱۲۸	۴	۸۸	۱	۴۸	۱
				۱۶۹	۴	۱۲۹	۲	۸۹	۴	۴۹	۴
				۱۷۰	۲	۱۳۰	۳	۹۰	۲	۵۰	۲
				۱۷۱	۱	۱۳۱	۱	۹۱	۲	۵۱	۳
				۱۷۲	۳	۱۳۲	۴	۹۲	۱	۵۲	۱
				۱۷۳	۱	۱۳۳	۴	۹۳	۲	۵۳	۴
				۱۷۴	۳	۱۳۴	۴	۹۴	۱	۵۴	۳
				۱۷۵	۲	۱۳۵	۳	۹۵	۲	۵۵	۴
				۱۷۶	۲	۱۳۶	۲	۹۶	۱	۵۶	۱
				۱۷۷	۴	۱۳۷	۲	۹۷	۳	۵۷	۱
				۱۷۸	۴	۱۳۸	۳	۹۸	۴	۵۸	۳
				۱۷۹	۲	۱۳۹	۳	۹۹	۱	۵۹	۳
				۱۸۰	۴	۱۴۰	۱	۱۰۰	۳	۶۰	۳
				۱۸۱	۴	۱۴۱	۴	۱۰۱	۴	۶۱	۱
				۱۸۲	۲	۱۴۲	۳	۱۰۲	۴	۶۲	۲
				۱۸۳	۱	۱۴۳	۲	۱۰۳	۱	۶۳	۴
				۱۸۴	۲	۱۴۴	۱	۱۰۴	۳	۶۴	۴
				۱۸۵	۱	۱۴۵	۲	۱۰۵	۳	۶۵	۲
				۱۸۶	۲	۱۴۶	۱	۱۰۶	۳	۶۶	۳
				۱۸۷	۴	۱۴۷	۲	۱۰۷	۴	۶۷	۲
				۱۸۸	۱	۱۴۸	۲	۱۰۸	۲	۶۸	۴
				۱۸۹	۱	۱۴۹	۴	۱۰۹	۱	۶۹	۱
				۱۹۰	۳	۱۵۰	۱	۱۱۰	۴	۷۰	۲
				۱۹۱	۳	۱۵۱	۱	۱۱۱	۲	۷۱	۳
				۱۹۲	۳	۱۵۲	۴	۱۱۲	۳	۷۲	۴
				۱۹۳	۲	۱۵۳	۳	۱۱۳	۲	۷۳	۱
				۱۹۴	۱	۱۵۴	۲	۱۱۴	۲	۷۴	۲
				۱۹۵	۳	۱۵۵	۴	۱۱۵	۱	۷۵	۴
				۱۹۶	۱	۱۵۶	۱	۱۱۶	۲	۷۶	۱
				۱۹۷	۱	۱۵۷	۴	۱۱۷	۳	۷۷	۲
				۱۹۸	۲	۱۵۸	۴	۱۱۸	۳	۷۸	۲
				۱۹۹	۴	۱۵۹	۳	۱۱۹	۱	۷۹	۱
				۲۰۰	۴	۱۶۰	۳	۱۲۰	۳	۸۰	۴